

## تدوین معیارهای حقوقی شناسایی ذی‌نفعان در پرونده‌های محیط زیستی

محمدعلی رضایی آهنگرانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰

منصور پورنوری<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

سید عباس پورهاشمی<sup>۳</sup>

داریوش کریمی<sup>۴</sup>

### چکیده

حفاظت محیط زیست به عنوان یکی از الزامات حقوقی و علمی در سطح کشور پذیرفته شده است. این تحقیق با هدف تدوین معیارهای شناسایی ذی‌نفعان در دعاوی و جرایم زیست محیطی انجام شده است. نوع آن تحلیلی و روش انجام کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین منظور از مطالعه عمیق برای گردآوری و غربال داده‌ها استفاده شد. برای تایید داده‌ها از خبرگان (پنل دلفی) استفاده شد. در ادامه از روش تحلیل عاملی (SEM) برای برازش مدل تحقیق بهره گرفته شد. نتایج بیانگر آن بوده است که در مجموع ۱۸ مولفه شامل ۱۰ نوع ذی‌نفع و ۸ نوع جرایم شناسایی شدند. انواع ذی‌نفعان عبارتند از: اشخاص عمومی (سازمانهای متولی و غیرمتولی)، اشخاص خصوصی (حقوقی و حقوقی). همچنین انواع جرایم نیز عبارتند از: عمدی، سهوی، تکراری، غیرتکراری، جبران‌پذیر، جبران‌ناپذیر، قابل اغماض و غیرقابل اغماض. نتایج حاصل از ارزیابی نیکویی برازش مدل نشان می‌دهد GFI برابر با ۰/۹۴۲ و RMR برابر با ۰/۰۷۹ و TLI برابر با ۰/۹۵۹ و CFI برابر با ۰/۹۰۳ و IFI برابر با ۰/۹۱۱ می‌باشند، لذا در ناحیه قابل قبول قرار دارند. سازمان‌های خصوصی از نوع حقیقی دارای بیشترین وزن (۸۲ درصد) و سپس، سازمانهای عمومی از نوع غیرمتولی (۷۷ درصد) و سازمانهای خصوصی از نوع حقوقی (۶۴ درصد) و در نهایت، سازمانهای عمومی از نوع متولی با وزن ۵۱ درصد قرار دارند. همچنین جرایم زیست محیطی نیز با مجموع وزن ۷۷ درصد در مدل اندازه‌گیری شدند که نشان از اعتبار بالای مدل دارد.

**کلمات کلیدی:** حقوق محیط زیست، دعاوی محیط زیست، جرایم زیست محیطی، ذی‌نفعان محیط زیست.

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> دانشیار و عضو هیات علمی و رییس موسسه تخصصی حقوق بین الملل کانادا، تورنتو، کانادا .

<sup>۴</sup> استادیار گروه مدیریت محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران .

نگرش حقوقی جمهوری اسلامی ایران به امر محیط زیست یک نگاه نسبتاً مناسب است؛ نگاهی عدالت‌خواهانه، عدالت از جهت حق موجودات، عدالت از جهت رابطه محیط زیست با نسل‌های آینده. عدالت درون نسل‌ها و میان نسل‌ها. به عبارتی دیگر، در این دیدگاه محیط زیست با نسل‌های آینده. متعلق به تمام انسان‌هاست و از طرفی حفظ آن یک تکلیف همگانی است (انتظاری نجف‌آبادی، ۱۳۹۴). با مذاقه در مفاد اصل پنجاهم قانون اساسی، اولویت حفاظت و صیانت از محیط زیست پایدار از دو جهت برجسته می‌گردد: اولاً بهره‌مندی از محیط زیست سالم، نه تنها حقی شهروندی است، بلکه تکلیفی عمومی برای همگان (کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی) است. ثانیاً: واضعین قانون اساسی که عمدتاً به بیان شالوده و بنیادهای حقوقی کشور می‌پردازند و بیان امور مجاز یا ممنوع را به قانون عادی محول می‌کنند. این رویکرد، حاکی از آن است که نه تنها عموم، مخاطب این اصل هستند؛ بلکه کلیه نهادهای حکومتی از جمله نهاد قانونگذاری نیز موظفند مرزی را که این اصل با محوریت ضرورت حفاظت محیط زیست به عنوان بستر توسعه همه‌جانبه مقرر نموده، در دورنمای کارکردهای خود را در تمامی حوزه‌ها نظیر فن‌آوری زیستی مورد توجه قرار داده و به عنوان فصل‌الخطاب رعایت نمایند [Abedi et al., ۲۰۱۵]. در واقع، قانون اساسی، حفاظت محیط زیست را از دریچه «حق» و «تکلیف» عمومی می‌نگرد. حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشری و همچنین حقوق داخلی محیط زیست و حقوق آزادی‌های اساسی و شهروندی کشورها، عرصه‌ای همگرا از تاکید بر جنبه‌های تلاقی یافته حق بر محیط زیست را که هم متکی بر عناصر و هنجارهایی در هر یک از محیط‌های هنجاری زیست محیطی و همچنین هنجارهای حقوق بشری و شهروندی است، به رسمیت شناخته‌اند.

در حقوق محیط زیست، جلوگیری از آلودگی و تخریب اکوسیستم‌ها مورد تأکید قرار گرفته و معیارهای جهانی مشترک جهت به نظم در آوردن اعمالی خاص و یا ممنوع ساختن برخی فعالیت‌ها اتخاذ گردیده است [Heydarzadeh & Mozfarizadeh, ۲۰۱۴]. اما این به تنهایی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق محیط زیست، یا به عبارت دیگر، مسئولیت ناشی از نقض آن قواعد است.

حق بر محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه حقوق بشر باز کرده، هر چند هنوز به شناسایی کامل دست نیافته است. توجه ویژه به این حق موجب شناخت ظرفیت‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی شده است (بیگی و همکاران، ۱۳۹۶). حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از حق حیات، حق به زندگی با استاندارد، حق به بهداشت، حق به هوای سالم، حق به علایق فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً در درون نسل اول حقوق بشر توسعه یافته است [Danesh Nari & Moradfar, ۲۰۱۶]. می‌توان گفت «حق بر محیط زیست؛ مجموعه‌ای از حقوقی است که انسان‌ها از آن جهت که در محیط زیست زندگی می‌نمایند برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آن بهره‌مند باشند». در این تعریف، حق بر محیط زیست تعریف مستقلی نیست و انسان به صرف انسان از این بهره‌مند نمی‌شود. در این برداشت، حق بر محیط زیست معادل مجموعه «حقوق بشر زیست محیطی» قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای از حقوق نسل‌های اول و دوم را در کنار برخی از فاکتورهای سایر حقوق بشری با خود دارد (پورهایمی و ارغند، ۱۳۹۲).

اما حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از قواعد عام‌الشمول به این اعتبار که در مقابل همه اشخاص حقیقی و حقوقی قابل مطالبه باشد مورد استقبال قرار نگرفته و رویه قضایی مستحکمی در این خصوص شکل نگرفته است. در شرایطی که خسارات وارده به حق فردی به خاطر رعایت و احترام به حقوق و منافع عمومی ضرورت داشته است، دعاوی ناشی از نقض حق فردی محیط زیست غیرقابل استماع تشخیص داده شده‌اند [Abedi et al., ۲۰۱۵]. بررسی رویه دولت‌ها و رویه قضایی نشان می‌دهد که حق بر محیط زیست برای شناخته شدن به عنوان یکی از مصادیق "نسل سوم حقوق بشر" جهانی، هنوز با مانع روبروست و این مانع به جهانی شدن این حق مربوط می‌شود و نه نفس این حق همانطور که گفته شد، این حق آنگاه که به مثابه بخشی از حقوق نسل‌های اول یا دوم یا زمینه آنها تلقی می‌شود، به اعتبار قوام یافتگی این دو دسته از حقوق، مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد، اما وقتی از آن به عنوان حقی مستقل از نوع حقوق همبستگی یاد می‌شود، این مانع و چالش به وضوح بروز و ظهور می‌یابد [Hajivand et al., ۲۰۱۸].

حقوق محیط زیست را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: حقوق محیط زیست طبیعی و حقوق محیط زیست انسانی. حقوق محیط زیست طبیعی به بررسی راه‌های حفظ بیوسفر و حفاظت از محیط‌های زیست طبیعی مانند جنگل‌ها، مراتع، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده و نیز حیات وحش و حیوانات و آبزیان و جلوگیری از انهدام آنها می‌پردازد (SEHN, ۲۰۰۸). حقوق محیط زیست انسانی، شامل آن دسته از قواعد و مقرراتی است که از حیات فرد در این محیط‌ها حمایت می‌کند و از آنجا که مشکلات و مسائلی که ممکن است در این محیط برای حیات فرد به وجود آید به انواع آلودگی‌ها مربوط می‌شود؛ حقوق محیط زیست انسانی در بردارنده قواعد و قوانین لازم برای مقابله با آلودگی‌هاست (Dabiri et al., ۲۰۱۶).

در کشور ما شمار قوانینی که برای حمایت از محیط زیست وضع گردیده، زیاد است و این قوانین غالباً در بر گیرنده حمایت کیفری از محیط زیستند. اما متأسفانه در عمل رویه قضایی حمایت‌چندانی از محیط زیست نمی‌کند. در واقع سیاست کیفری ایران به تنهایی قادر به رفع مشکلات زیست محیطی نیست و اعمال این سیاست باید همراه با اقدامات اداری و فرهنگی و اقتصادی باشد. تحولات اجتماعی و صنعتی در جوامع مختلف مباحث جدیدی را برانگیخته و حتی دسته جدیدی از جرایم را مطرح نموده است که در این راستا می‌توان از جرایم محیط زیستی به عنوان یکی از اشکال جدید بزهکاری یاد کرد. از حیث حمایت کیفری می‌توان جرایم منابع طبیعی و محیط زیستی را به دو گروه جرایم محیط زیستی حیاتی (نسبت به عناصر جاندار محیط زیست) و جرایم محیط زیستی غیرحیاتی (نسبت به عناصر غیرجاندار محیط زیست) دسته‌بندی کرد.

هدف از انجام این تحقیق، تدوین مدلی برای معیارهای شناسایی ذی‌نفعان در پرونده‌های محیط زیستی در کشور است.

## مبانی نظری

### • جرایم محیط زیستی

در حقوق بین‌الملل محیط زیست، گونه‌شناسی جرایم محیط زیستی، یکی از جنبه‌های مهمی است که مورد توجه قرار گرفته است (Hajivand et al., ۲۰۱۸). مطابق با رویکرد حقوقی، جرم محیط زیستی به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (Pain, ۲۰۰۳). در واقع، این رویکرد در ایران، مطابق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲) نیز تبلور پیدا کرده است، که تعریف قانون‌مدار و قانون‌محور مدنظر قرار می‌گیرد (Mirkamali & Hajivand, ۲۰۱۷). عنصر قانونی جرم محیط زیستی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آنها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده، و برای مرتکب یا مرتکبین نیز برحسب مورد مجازات تعیین شده است. بنابراین؛ هر گونه ایراد خسارت به اجزای جاندار و غیرجاندار اکوسیستم، اعم از آنکه در قالب تخریب یا آلودگی باشد، جرم زیست محیطی قلمداد می‌شود (Heydarzadeh & Mozafarizadeh, ۲۰۱۴). در حیطه جرایم محیط زیستی، اکثریت جرایم، علاوه بر مطلق بودن، عمدی نیز هستند و تعداد کمی از جرایم زیست محیطی در حیطه جرایم غیرعمدی، قرار می‌گیرند. از لحاظ تقسیم‌بندی، جرایم محیط زیستی به دو گروه اصلی عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شوند (جدول ۱).

#### جدول (۱): تقسیم‌بندی جرایم محیط زیستی و منابع طبیعی

نوع جرم	توضیحات
عمدی	اکثریت جرایم محیط زیستی و منابع طبیعی، در زمره جرایم عمدی جای می‌گیرند. قصد مجرمانه که احراز آن برای تحقق جرم عمدی، ضروری است به شکل‌های مختلف قابل تشخیص است. گاهی برای آنکه مشخص شود جرم مورد نظر از جرایم عمدی است؛ در عبارت قانونی از کلماتی مانند علم، عمد و قصد تقلب استفاده می‌شود. مواردی نیز وجود دارد که چنین کلماتی در متن ماده آورده نشده است و از محتوای آن ماده، باید در یافت که جرم عمدی و یا غیرعمدی است.
غیرعمدی	موارد اندکی از جرایم محیط زیستی و منابع طبیعی در دسته جرایم غیرعمدی قرار می‌گیرند. هر چند جرم آتش‌سوزی از جرایم عمدی است؛ لیکن به حکم قانون، حریق غیرعمدی منابع طبیعی نیز در مواردی خاص، جرم تلقی شده است، جرایم غیرعمدی وقتی موجب مسئولیت کیفری می‌گردند که انسان در ارتکاب آنها، رعایت احتیاط و مقررات و نظامات دولتی را ننموده باشد. بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی را خطای کیفری می‌نامند. مصادیق جرم احتراق غیرعمدی منابع طبیعی، ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ می‌باشد. لازم به ذکر است که مطابق با بند یک ماده یک قانون یاد شده، منظور از جنگل یا مرتع یا بیشه در قالب منابع طبیعی عبارت از جنگل یا مرتع یا بیشه‌ای است که به وسیله اشخاص ایجاد نشده باشد.

(Dabiri et al., ۲۰۱۶; Faure & Visser, ۲۰۰۳)

در گذشته برخی مطالعات در خصوص جرایم زیست محیطی صورت گرفته است، به طور مثال: برخی محققین اقدام به مطالعه بر روی تحلیل پیشگیری از جرایم زیست محیطی در پرتو دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد کردند (Mirkamali & Hajivand, ۲۰۱۷). کارشناسان مسوولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران را بررسی کردند (Hajivand et al., ۲۰۱۸). جرایم زیست محیطی در ایران بارها مورد تجزیه و تحلیل اقتصادی قرار گرفته است (Abedi et al., ۲۰۱۵). کارشناسان متعدد، پیشگیری از جرایم زیست محیطی را مطالعه کردند، آنها مولفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم محیط زیستی را از دیدگاه بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند (Heydarzadeh & Mozafarizadeh, ۲۰۱۴). محققان در سایر کشورها نیز بر روی جنبه‌های حفاظتی و پیشگیرانه جرایم محیط زیستی مطالعه نموده‌اند (Zhang et al., ۲۰۱۶). شکل ۱ انواع مجازات‌های مرتبط را نشان می‌دهد.

### انواع مجازات‌های محیط زیستی و منابع طبیعی

#### جزای نقدی:

شکی نیست که جریمه‌های کیفری متداول‌ترین مجازات‌ها در مورد جرایم آلودگی محیط هستند. جریمه کیفری از این لحاظ مناسب است که اعمال آلوده‌سازی معمولاً از فعالیتهای اقتصادی ناشی می‌شوند؛ اما در اکثر کشورهای سوسیالیست جریمه‌های کیفری در مورد بزه‌های آلودگی محیط پیش‌بینی نشده‌اند.

#### محکومیت به زندان:

گرچه در قوانین اغلب کشورها مقرراتی مبنی بر مجازات زندان در مورد جرایم عمده آلودگی محیط پیش‌بینی شده است؛ اما روشن نیست که تا چه حد این مقررات عملاً به مورد اجرا گذاشته می‌شوند. احتمالاً همان گونه که در گزارش کمیته فرعی کمیته اروپایی مسائل جزایی خاطر نشان شده است، این نوع مجازات در قوانین به علل روان‌شناسی؛ یعنی برای نشان دادن اهمیتی که به جرایم آلودگی داده می‌شود، گنجانیده شده است.

#### جریمه‌های اداری و مدنی:

از سوی دیگر در مورد تخلفات کوچک، محکوم کردن متخلف به جریمه کیفری به علت این که موجب بدنامی او می‌گردد، بیش از حد سنگین تلقی می‌شود. به علاوه گاهی تشریفات مربوط به محکوم کردن به جریمه‌های کیفری پیچیده و مزاحم هستند. به همین جهت بعضی از کشورها به جریمه‌های غیرکیفری از قبیل جریمه‌های اداری و مدنی که می‌توان آنها را با سرعت بیشتر و تشریفات ساده‌تری اخذ نمود، متوسل شده‌اند.

شکل (۱): انواع مجازات‌های مرتبط با جرایم محیط زیستی و منابع طبیعی (Rees, ۲۰۱۰)

## • خسارات زیست محیطی

در متون فقهی به جای واژه خسارت، واژه ضرر به کار رفته است و فقها به هنگام بحث از قاعده لاضرر، بخشی را به مفهوم "ضرر" اختصاص داده و مصادیق گوناگون آن را مورد بررسی موضوعی قرار داده‌اند. خسارت یک واژه عربی است که از "خَسِرَ" گرفته شده و در معنای مصدری به معنی "گمراه شدن"، "از بین رفتن"، "از دست دادن دارایی یا حق"، "زیان بردن" و "ضرر کردن" آمده است. خسارت در اصطلاح حقوقی نیز از معانی لغوی خود بیرون نبوده و گاه به همین معانی و گاهی هم به معنای مالی آمده که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود (مشهدی، ۱۳۹۲) ولیکن در بیان مفهوم حقوقی خسارت، باید اذعان نمود که ارائه یک تعریف جامع میسر نیست؛ زیرا آن یک مفهوم عام و نسبی است، با این وجود تعاریفی از آن ارائه شده است؛ از جمله این که، خسارت عبارت است از هر گونه زیان و صدمه و نقصان و استهلاکی که از روی سهو یا عمد و یا در اثر حادثه‌ای توسط شخصی به دیگری وارد شده، خواه بدنی باشد یا مالی. به بیان دیگر، هر نوع کاهش ارزشی است که در نتیجه یک حادثه غیرمتعارف، شخص یا گروهی از اشخاص متحمل می‌شوند و از لحاظ حقوقی به ضرری اطلاق می‌شود که در اثر نقض یک قاعده حقوقی به بار آمده است و باید جبران شود. طبق این تعریف، در مفهوم خسارت، وجود یک عنصر غیر قانونی و نقض قاعده حقوقی و نیز قابل جبران بودن یا ضرورت جبران آن نهفته است؛ به نحوی که خسارت یا ضرر یک مفهوم عام و گسترده است که اولاً منحصر به زیان مالی و بدنی نیست، بلکه شامل زیان‌های معنوی و روحی و شخصیتی هم می‌شود و ثانیاً بروز خسارت همواره منشأ قانونی ندارد و ثالثاً ضرورت جبران زیان و یا قابل جبران بودن آن در مفهوم خسارت نهفته نیست، بلکه نتیجه‌ی ایراد خسارت به وسیله دیگری و مطالبه آن توسط زیان دیده است (بهرامی و علی‌خانی، ۱۳۹۲).

بنابراین، می‌توان گفت خسارت عبارت است از: «پیدایش هر گونه کاستی در مال یا متعلقات غیر مالی یا تمامیت جسمی و روانی یا اعتبار و حیثیت شخص یا جلوگیری از افزایش و یا تکامل آن». در قوانین و مقررات حقوق ایران، تعریف دقیقی از واژه خسارت زیست محیطی وجود ندارد. به گونه‌ای که در کلیه قوانین مرتبط با محیط زیست و آلودگی که در حقوق ایران قابل اعمال است، بدون این که تعریفی از خسارت زیست محیطی ارائه شود، تنها از ضرر و خسارت بحث به بیان آمده و در مواردی هم به خسارت زیست محیطی اشاره شده است.<sup>۱</sup>

در تعریف خسارت زیست محیطی گفته شده است که، خسارت زیست محیطی عبارت است از خساراتی که به اشخاص و یا اشیاء پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود. حاصل این تعریف این است که، محیط زیست منبع خسارت است نه این که خود نیز قربانی خسارت واقع می‌شود.

## • جایگاه ذی‌نفع در حقوق محیط زیست

۱. از جمله می‌توان به مواد ۹ و ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳؛ ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴؛ ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴ اشاره نمود.

براساس ماده (۱۰) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ اشخاص حقوق خصوصی می‌توانند علیه تصمیمات و اقدامات دولتی که به آلودگی‌های محیط زیست منجر می‌شود، به طور مستقل در دیوان عدالت اداری طرح دعا کنند. رسیدگی دیوان عدالت اداری منحصر به تشخیص استحقاق یا عدم استحقاق زیان‌دیدگان بوده و به موجب تبصره (۱) همان ماده پس از تأیید استحقاق از طرف دیوان، زیان‌دیدگان به منظور مطالبه حقوق خود رد محاکم عمومی طرح دعوا می‌کنند.

اگر چه امکان طرح دعوا علیه اقدامات دولتی که به آلودگی محیط زیست منجر می‌شود از سوی اشخاص حقوق خصوصی به طور مستقل وجود دارد، به طور معمول این اشخاص دعاوی خود را از طریق نهادهای عمومی صالح (مانند سازمان محیط زیست) دنبال می‌کنند. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۳۷، ۳۸ و ۳۹ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جایگاه شاکی در دیوان عدالت اداری محصور و محدود به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی شده و شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در شعب دیوان عدالت اداری قابل طرح نیست. به موجب این رأی «نظر به اینکه در اصل (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تأسیس دیوان اداری رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی تصریح گردیده و با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه مردم، واحدهای دولتی از شمول مردم خارج و به اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی اطلاق می‌شود و مستفاد از بند یک ماده (۱۱) دیوان اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی می‌باشند علی‌هذا، شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.» (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰). بنابراین در جایی که اختلاف بین نهادهای دولتی ناشی از نقض تعهدات قراردادی یا قانونی باشد، دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی دارند. در عمل هم دستگاههای اداری تمایل دارند این قبیل اختلافات خود را در دادگستری مطرح کنند (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵). اما زمانی که اختلاف پیش آمده ناشی از قرارداد یا ضمان قهری نباشد، مثلاً اگر بین دو سازمان زیر مجموعه محیط زیست اختلاف ایجاد شود- و براساس بند «ه» ماده (۱) آیین‌نامه «چگونگی رفع اختلاف بین دستگاههای اجرایی از طریق سازوکارهای قوه مجریه» مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ اختلاف نظر، در برداشت از قوانین و مقررات، تداخل وظایف قانونی یا اموال و حقوق مالی باشد، در صورتی که رؤسای دستگاههای زیرمجموعه نتوانند اختلاف را در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع کنند، اختلاف به رئیس سازمان محیط زیست ارجاع خواهد شد و این مقام در چارچوب اختیارات قانونی موجود رفع اختلاف به مصوبه دولت نیاز داشته باشد، پیشنهاد لازم مستقیماً توسط مقام مذکور به هیأت وزیران تقدیم می‌شود.

هر چند اغلب نگرش‌ها در مورد توزیع منافع بر تقدم فقرا بر اغنيا استوارند، اما مساله برابری رفتار که برابند تساوی در برابر قانون است، حقوق بشر تکیه بر میزان توانمندی‌های اقتصادی و مالی افراد در جامعه به مثابه ملاکی برای دسته‌بندی اعضای اجتماع و ایجاد گروه بندی‌های مالی را پذیرا نخواهد بود. به واقع، برابر بهره‌مندی افراد از محیط زیست و عناصر آن، نتیجه تساوی در برابر قانون و روح برابری در حقوق بشر است و عدالت بر همین پایه استوار خواهد شد. البته «هر جامعه خود تعیین می‌کند که چه روشی از توزیع هزینه‌ها و منافع عادلانه و مناسب هستند» اما روشن است که اصل پرداخت هزینه آلودگی توسط آلوده کننده، تعبیری خاص از «ذینفع» بودن دارد که با تئوری‌های دیگر اقتضای راجع به آن همخوانی نخواهد داشت.

از نظر حقوق محیط زیست، «ذی‌نفع» در قبال ایجاد آلودگی، شخصی است که برای تحقق منافع فردی یا گروهی، به تخریب یا آلودگی محیط زیست رغبت یافته و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تخریب یا آلودگی را درنور دیده، منافع مذکور را حتی با گذر از حصارهای حفاظتی تعقیب نموده است. در نتیجه، در ایجاد آلودگی «اغلب» منفعت جوئی و جستجوی منافع اقتصادی و مالی نهفته بوده، انگیزه اصلی آلوده‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، طبیعی است هر کس اقدامی را با انگیزه و تمنای کسب منفعتی خاص انجام داده، باید عواقب آن اقدام را نیز از هر گونه که باشد، بویژه پرداخت هزینه‌ها و خسارت آن تقبل نماید. در نتیجه، منظور از ذی‌نفع، ذی‌نفع از اقدام منتهی به آلودگی و به طور اخص، شخص آلوده کننده است. به همین دلیل «آلوده کننده است که باید هزینه‌های ناشی از آلودگی ایجاد شده در اثر اقدام خود را پرداخت نماید».

در مواردی که این هزینه‌ها ناشی از تولید کالا است، آلوده کننده (تولید کننده) موظف است هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی تولیدات خود را در قالب عوارض زیست محیطی به دولت پرداخت نماید. مقدمه کنوانسیون استکهلم با تأکید بر اهمیت تقبل مسئولیت تولیدکنندگان آلاینده‌های آلی پایدار به منظور کاهش اثرات زیان‌آور ایجاد شده توسط محصولات آنان و اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان، دولت‌ها و عموم مردم مرتبط با خصوصیات مخاطره‌آمیز این مواد شیمیایی، مسئولیت را برای «تولیدکننده» آلودگی به رسمیت شناخته است. همانطور که پیداست، مرجع محق به جبران شدن در مورد نخست، همه اشخاص حقیقی و حقوقی هستند. اما در مورد اخیر، مراتب در قالب هویت جمعی دولت نمودار می‌گردد. عوارض زیست محیطی اخذ شده از تولیدکنندگان محصولات آلاینده، از سوی دولت اخذ و جهت مصارف زیست محیطی عام یا خاص هزینه می‌گردد. متأسفانه در این موارد، ممکن است هزینه‌های آلودگی که اساساً باید از سوی آلوده کننده تحمل و پرداخت شود، به هزینه‌های تولید اضافه شده و نهایتاً بر مصرف‌کنندگان تحمیل شوند. البته یک تفسیر موسع و انعطاف پذیر از «آلوده کننده» مصرف‌کنندگان این محصولات را نیز در بر می‌گیرد. مطابق با این رویکرد، علاوه بر تولید کننده، مصرف‌کنندگان نهائی کالای دارای آلاینده‌گی زیست محیطی نیز با همین اقدام خود در محقق شدن آلودگی سهیم هستند و بر این اساس، آنها می‌توانند از مصرف این کالاها خودداری نموده و کالاهای سبز را برای مصرف برگزینند. در نتیجه، انتخاب آگاهانه محصولات آلاینده به معنای اشتراک فعل آنها در ایجاد آلودگی است و به همین دلیل، پرداختن هزینه‌های آلودگی که به مبلغ اعلامی این محصولات افزوده شده است، نتیجه طبیعی این انتخاب‌شان خواهد بود. به تعبیر دیگر، «به خاطر هزینه‌های بالایی که مصرف‌کنندگان نهائی باید بابت خرید این کالاها پردازند، از نتایج وخیم مصرف آنها بر محیط زیست و نقشی که آنها خواهند داشت، آگاه می‌شوند». اما مسئولیت مذکور از این حد فراتر نخواهد رفت و دیگر آثار زیانبار زیست محیطی محصولات مذکور به این اشخاص منتسب نخواهد شد.

### مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع مروری و به روش تحلیل محتوایی است که به شکل مطالعه عمیق انجام یافته است. بدین منظور، ابتدا مبانی نظری تحقیق تبیین شد. سپس، قوانین و اسنادفرادستی مرتبط با حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی و نیز جنبه‌های حقوقی و دعاوی محیط زیستی در کشور گردآوری و مطالعه شدند.



در این زمینه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط در حیطه‌های محیط زیست و منابع طبیعی کشور گردآوری گردید. البته برخی موارد مشمول اصلاحیه و یا متمم شده بودند که در مرحله تدقیق منابع مورد بازنگری قرار گرفتند. به منظور اطمینان از صحت گردآوری منابع، پس از تکمیل مرحله جمع‌آوری، عناوین منابع با کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه تایید گردید. در ادامه، اقدام به فهرست‌برداری از ذی‌نفعان و شاکیان پرونده‌های محیط زیستی شد. سپس، از طریق بانک داده اقدام به کدگذاری و دسته‌بندی داده‌ها شد تا بتوان قلمرو ذی‌نفعان را در حقوق کیفری در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی را تعیین نمود. در گام بعد، اقدام به تدوین مدل تحقیق گردید و در نهایت، این مدل به منظور تایید برآزش در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان عرصه حقوق محیط زیست قرار گرفت.

از مدل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. مدل معادلات ساختاری (SEM) یک تکنیک تحلیل چندمتغیره بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری است و یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و پنهان است؛ همچنین برپایه فرضیه‌هایی درباره وجود روابط علی بین متغیرها، مدل‌های علی را با دستگاه معادله خطی آزمون می‌کند و روابط نظری بین شرایط ساختاری معین و مفروض را می‌آزماید و برآورد روابط علی میان متغیرهای مکنون (پنهان) و نیز روابط میان متغیرهای اندازه‌گیری شده (مشاهده شده) را امکان‌پذیر می‌سازد.

مدل معادله ساختاری شامل دو مرحله است: ۱. مدل اندازه‌گیری، که در آن متغیرهای پنهان پیشنهاد و از طریق تحلیل عاملی تاییدی (CFA) آزمون می‌شود و ۲. مدل ساختاری، که در آن متغیرهای پنهان و مشاهده شده از یک راه منطقی با هم مرتبط می‌شوند. همچنین مفروض‌های مدل معادله ساختاری باید صادق بوده یا حداقل به گونه تقریب برقرار باشد، تا نسبت به نتایج آن اطمینان حاصل شود. مفروض‌های مدل معادله ساختاری عبارتند از اینکه حجم گروه نمونه مناسب باشد و داده‌ها، کجی و کشیدگی شدید نداشته باشند؛ ایده‌آل آن است که توزیع متغیرها تقریباً نرمال باشد.

برای بررسی کفایت نمونه‌گیری و مناسب بودن حجم گروه نمونه از آزمون‌های آماری KMO و بارتلت استفاده شده است و همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (KS) استفاده شده است.

## نتایج

### • شناسایی ذی‌نفعان

با بررسی اسناد و مدارک و مبانی نظری، مجموعاً ۱۸ مولفه شامل ۱۰ نوع ذی‌نفع و ۸ نوع جرایم شناسایی شدند که عبارتند از:

- الف) انواع ذی‌نفعان: اشخاص عمومی (سازمانهای متولی / سازمانهای غیرمتولی)، اشخاص خصوصی (حقیقی / حقوقی)، تولیدکننده، مصرف‌کننده، خدمت‌دهنده، بهره‌بردار، ناظر و حافظ.
- ب) انواع جرایم و خسارات: عمدی، سهوی، تکراری، غیرتکراری، جبران‌پذیر، جبران‌ناپذیر، قابل اغماض و غیر قابل اغماض.

• بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها (آزمون KS)

جهت بررسی ادعای مطرح شده در مورد توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (KS) استفاده شده است. در این آزمون، فرض صفر، ادعای مطرح شده در مورد نوع توزیع داده‌ها است.

- توزیع داده‌ها نرمال است:  $H_0$

- توزیع داده‌ها نرمال نیست:  $H_1$

نتایج بدست آمده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مربوط به مولفه‌های تحقیق در جدول زیر نشان می‌دهد که توزیع همه متغیرها در نمونه مورد بررسی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، زیرا سطح معنی‌داری بیش از ۵٪ است و فرض صفر رد نمی‌شود. لذا یکی از مفروض‌های مدل معادله ساختاری برقرار است و داده‌ها، کجی و کشیدگی شدید ندارند و توزیع متغیرها نرمال است.

جدول (۲). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

ردیف	مولفه‌های تحقیق	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۱	جرایم عمدی	۰/۱۰۲	نرمال
۲	اشخاص عمومی	۰/۰۶۵	نرمال
۳	سازمانهای متولی	۰/۱۱۳	نرمال
۴	سازمانهای غیرمتولی	۰/۴۲۵	نرمال
۵	اشخاص خصوصی	۰/۰۹۸	نرمال
۶	اشخاص حقوقی	۰/۱۰۲	نرمال
۷	اشخاص حقیقی	۰/۰۵۳	نرمال
۸	جرایم غیرعمد	۰/۰۶۹	نرمال
۹	جرایم تکراری	۰/۱۰۷	نرمال
۱۰	جرایم غیرتکراری	۰/۲۲۱	نرمال
۱۱	جرایم جبران‌پذیر	۰/۱۴۸	نرمال
۱۲	جرایم جبران‌ناپذیر	۰/۵۹۲	نرمال
۱۳	جرایم قابل اغماض	۰/۱۰۷	نرمال
۱۴	جرایم غیرقابل اغماض	۰/۰۸۷	نرمال
۱۵	تولیدکننده	۰/۰۹۶	نرمال
۱۶	مصرف‌کننده	۰/۱۰۱	نرمال
۱۷	خدمت‌دهنده	۰/۳۴۳	نرمال
۱۸	بهره‌بردار	۰/۲۲۱	نرمال
۱۹	ناظر	۰/۲۸۱	نرمال
۲۰	حافظ	۰/۱۹۰	نرمال

• بررسی کفایت نمونه‌گیری (آزمون‌های آماری KMO و بارتلت)

در انجام تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل شود که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرار داد. به عبارت دیگر، آیا تعداد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت<sup>۲</sup> استفاده شده است. شاخص KMO، شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌سازد آیا واریانس متغیرهای پژوهش، تحت تاثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. این شاخص در دامنه صفر و یک قرار دارد. اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد (معمولاً بیشتر از ۰/۶)، داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند و در غیر اینصورت، نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های مورد نظر چندان مناسب نمی‌باشند. آزمون بارتلت بررسی می‌کند چه هنگام ماتریس همبستگی، شناخته شده است و بنابراین برای شناسایی ساختار نامناسب می‌باشد. اگر سطح معنی‌داری (sig) آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۵ درصد باشد، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب است، زیرا فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود. با توجه به نتایج آزمون، مقدار شاخص KMO برابر ۰/۶۶۷ است، لذا تعداد نمونه برای تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری کافی است. همچنین مقدار سطح معنی‌داری آزمون بارتلت، کوچکتر از ۵ درصد است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود و لذا تحلیل عاملی تاییدی برای شناسایی ساختار مناسب است.

جدول (۳). نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت

۰/۶۶۷	شاخص KMO
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری آزمون بارتلت (sig)

• نتایج تحلیل عاملی تاییدی (CFA)

برای اندازه‌گیری مدل تلفیقی، از ۱۸ گویه استفاده شده است. براساس خروجی نرم‌افزار، بارهای عاملی تمامی گویه‌ها بالاتر از ۰/۴ است و بیانگر این است که شاخص‌های مورد نظر سنجه‌های خوبی هستند. برای تصمیم‌گیری در خصوص تایید یا رد مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های برازش مدل<sup>۳</sup> استفاده شده است. تحلیل عاملی تاییدی به دنبال تایید نیکویی برازش مدل یا به عبارتی تایید اینکه مدل ارائه شده مشابه مدل واقعی است، می‌باشد. برای ارزیابی نیکویی برازش مدل، از شاخص‌هایی مانند: شاخص برازندگی (GFI)، شاخص باقیمانده مجذور میانگین (RMR)، شاخص برازش توکر-لویس (TLI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش افزایشی (IFI)، شاخص نسبت مجذور کای دو بر درجه آزادی (CMIN/DF) و شاخص مجذورخطا (RMSEA)، استفاده شده است.

نتایج حاصل از ارزیابی نیکویی برازش مدل تلفیقی نشان می‌دهد GFI برابر با ۰/۹۴۲ می‌باشد و با توجه به اینکه بیشتر از ۰/۹ هستند، لذا در ناحیه قابل قبول است. RMR برابر با ۰/۰۷۹ می‌باشد و با توجه به

<sup>۲</sup>- Bartlett's Test

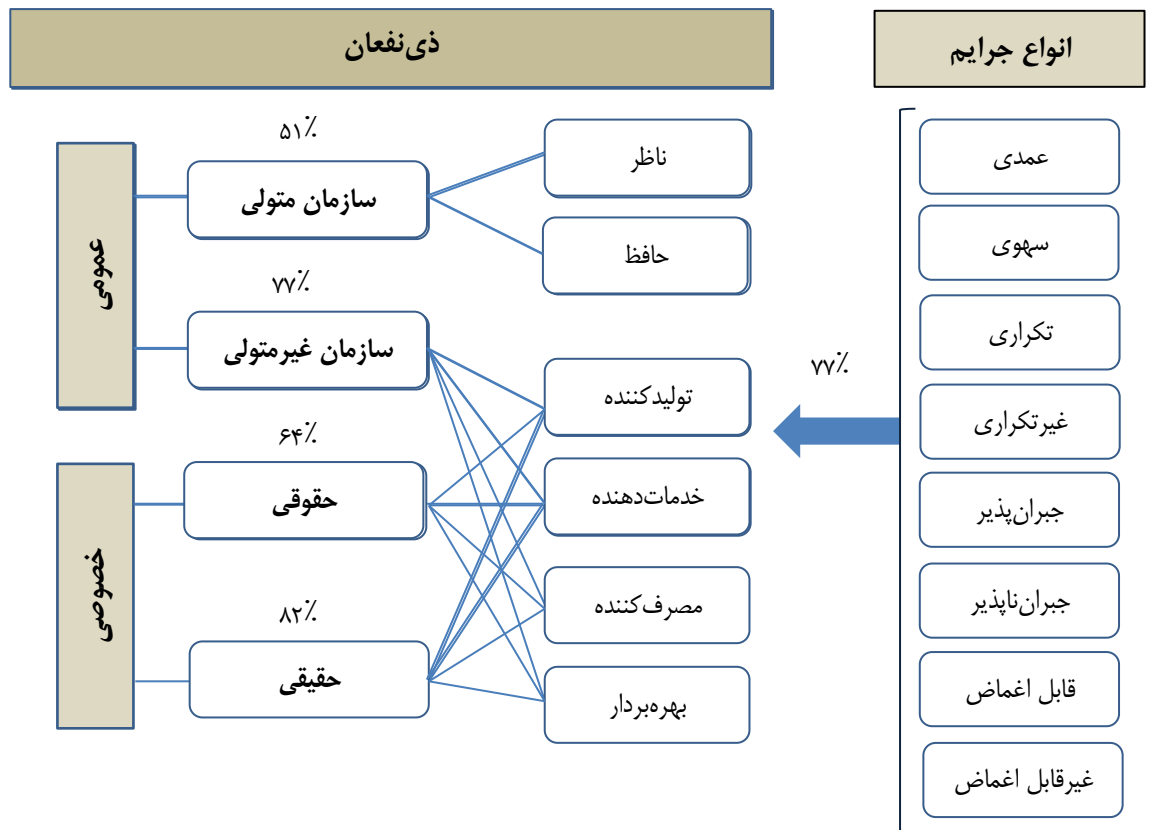
<sup>۳</sup>- Model fit indexes

اینکه تمامی موارد کمتر از ۰/۰۸ هستند، لذا در ناحیه قابل قبول قرار دارد. TLI برابر با ۰/۹۵۹ و CFI برابر با ۰/۹۰۳ و IFI برابر با ۰/۹۱۱ می‌باشند و با توجه به اینکه بیشتر از ۰/۹ هستند، لذا در ناحیه قابل قبول قرار دارند. CMIN/DF نیز بین ۱ تا ۵ قرار دارد، لذا در ناحیه قابل قبول است. RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۸ است، لذا در ناحیه قابل قبول قرار دارد. بنابراین با توجه به اینکه حداقل سه شاخص، مقادیری در بازه قابل قبول داشته‌اند، می‌توان ادعا کرد که برازش مدل خوب و قابل قبول است. لذا نتایج آزمون‌های برازش مدل نشان می‌دهد، ۱۸ مولفه مطرح شده می‌توانند در غالب مولفه‌های مدل مطرح شوند.

#### جدول (۴). شاخص‌های برازش برای تأیید مولفه‌های مدل

نوع شاخص	شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد	
	RMR	GFI	TLI	CFI	IFI	RMSEA	CMIN/DF
مقدار استاندارد	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	کمتر از ۰/۰۸	بین ۱ تا ۵
نتایج مدل	۰/۰۷۹	۰/۹۴۲	۰/۹۵۹	۰/۹۰۳	۰/۹۱۱	۰/۰۴۳	۳/۸۳۷

نتایج اندازه‌گیری مدل نشان می‌دهد که سازمان‌های خصوصی از نوع حقیقی دارای بیشترین وزن (۸۲ درصد) و سپس، سازمان‌های عمومی از نوع غیرمتولی (۷۷ درصد) و سازمان‌های خصوصی از نوع حقوقی (۶۴ درصد) و در نهایت، سازمان‌های عمومی از نوع متولی با وزن ۵۱ درصد قرار دارند. همچنین جرایم زیست محیطی نیز با مجموع وزن ۷۷ درصد در مدل اندازه‌گیری شدند که نشان از اعتبار بالای مدل دارد.



شکل (۲). مدل اندازه‌گیری معیارهای شناسایی ذی‌نفعان  
(منبع: یافته‌های تحقیق)

#### • مدل معادلات ساختاری (SEM)

پس از اطمینان از مناسب بودن برازش مدل، مدل معادلات ساختاری با پیروی از الگو پژوهش براساس آخرین تغییرات در تحلیل عاملی تاییدی رسم شده است. با توجه به اینکه برازش الگو خوب بوده است، نیازی به حذف نشانگرها در الگو و همچنین رسم کوواریانس بین خطاها وجود نداشت. با توجه به هدف اجرای معادلات ساختاری که تخمین روابط بین متغیرها است، در جدول مقادیر رگرسیونی، نتایج تخمین تمام مسیرهای بین متغیرهای الگو گزارش شده است.

جدول (۵). مقادیر رگرسیونی تخمین مسیرهای بین متغیرهای الگو

Estimate	مسیرها
- ۰/۱۲	سازمان متولی <---> جرایم زیست محیطی
۰/۷۷	سازمان غیرمتولی <---> جرایم زیست محیطی
۰/۶۴	اشخاص حقوقی <---> جرایم زیست محیطی
۰/۸۲	اشخاص حقیقی <---> جرایم زیست محیطی

براساس نتایج معادلات ساختاری، رابطه بین دو متغیر سازمان متولی و جرایم زیست محیطی معنی‌دار نیست. به طوریکه ضریب مسیر ۰/۱۲ است که نشان می‌دهد رابطه‌ی مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. به این معنی که امکان دارد با تغییر عاملی در سازمان متولی، (به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل)، جرایم زیست محیطی ۰/۱۲ واحد افزایش خواهد یافت. همچنین سطح معنی‌داری مسیر سازمان غیرمتولی به جرایم زیست محیطی کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه بین دو متغیر معنی‌دار است و ضریب مسیر ۰/۷۷ نشان می‌دهد که رابطه‌ی مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. به این معنی که (به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل)، میتوان با تغییر در شرایط سازمان غیرمتولی، میزان جرایم زیست محیطی را ۰/۷۷ واحد افزایش داد. همچنین سطح معنی‌داری مسیر اشخاص حقوقی به جرایم زیست محیطی کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه بین دو متغیر معنی‌دار است و ضریب مسیر ۰/۶۴ نشان می‌دهد که رابطه‌ی مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد.

همچنین سطح معنی‌داری مسیر اشخاص حقیقی به جرایم زیست محیطی کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه بین دو متغیر معنی‌دار است و ضریب مسیر ۰/۸۲ نشان می‌دهد که رابطه‌ی مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. به این معنی که میتوان با تغییر در اشخاص حقیقی، میزان جرایم زیست محیطی را یک ۰/۸۸ واحد افزایش داد (به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل).

حق برخورداری و استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشر است؛ چرا که حق حیات بدون محیط زیستی که از حداقل پاکیزگی و سلامتی برخوردار باشد ممکن نیست. این حق در قوانین داخلی و بین‌المللی و کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

بر این اساس، کسانی که خواهان حمایت و حفاظت از محیط زیست هستند باید به هم پیوستگی و ارتباط ارگانیک عناصر زیست محیطی و توسعه پیشرفت را هیچ وقت از نظر دور ندارد اعمال یک سیاست جهانی محیط زیست باید به گونه ای باشد که هم مسئولیت‌پذیری کل جهان را در بر گیرد و هم همه کشورها و آحاد در قبال آن احساس تکلیف و وظیفه کنند.

در حقوق ایران، خسارت زیست محیطی دو نوع خسارت را شامل می‌شود؛ یعنی هم خسارت به اموال و اشخاص یا خسارات سنتی و هم خسارت به منابع طبیعی یا خسارات خالص زیست محیطی را رد بر می‌گیرد و حال آن که طبق دستورالعمل مصوب ۲۰۰۴ پارلمان و شورای اتحادیه اروپا، خسارت زیست محیطی فقط خسارت به آب، خاک و خسارت به گونه‌ها و زیستگاههای طبیعی دانسته شده است. زیان و خسارت زیست محیطی که ناشی از آسیب به محیط زیست و عناصر و منابع آن است، خسارات گوناگونی را در بر می‌گیرد. این زیان‌ها هم شامل زیان‌های اقتصادی مانند آسیب مادی و از دست دادن درآمد است و هم شامل زیان‌های معنوی مانند از دست دادن لذت و آرامش و محرومیت از انتفاع است (نورانی، ۱۳۹۲).

این زیان‌ها به غیر از اموال و اشخاص، ممکن است به خود طبیعت و عناصر و منابع زیست محیطی نیز خسارت و لطمه وارد سازد که زیان زیست محیطی صرف یا خسارت خالص زیست محیطی نامیده می‌شود.

بر این اساس، در مسئولیت زیست محیطی میتوان مسئولیت پیش‌گیری را نیز مطرح نمود که با استناد به اصل پنجاهم قانون اساسی، می‌توان دعوای پیش‌گیرانه را اقامه کرد. چرا که، نتیجه مهمی که از این اصل گرفته می‌شود این است که، مسئولیت زیست محیطی یک مسئولیت پیش‌گیرانه و ناظر به آینده است که باید از وقوع آلودگی یا تخریب محیط زیست جلوگیری به عمل آید. علت آن هم این است که خسارت زیست محیطی مربوط به حال نمی‌شود، بلکه نسل‌های آینده را هم تهدید می‌کند؛ زیرا بسیاری از آلودگی‌های زیست محیطی در مدت طولانی و در آینده آشکار می‌گردد.

بی‌تردید محیط زیست، بستر حیات فردی و اجتماعی انسان است. به واقع، در صورتی که حق حیات را نخستین حق اساسی بشر و شهروند بشماریم، حق داشتن محیط زیستی سالم که در آن امکان موجودیت یافتن انسان و سپس زیست پایدار وی فراهم گردد، از برخی جهات مقدم بر حق حیات است و از جهاتی دیگر، لازمه استیفای این حق و حتی بستر ادامه و استمرار مناسب آن. به همین دلیل است که حق داشتن محیط سالم برای زیست و حیات پایدار را نمی‌توان الزاماً در حدود و ثغور حقوق همبستگی محصور نمود بلکه این امر به مثابه حقوق نسل اول و حتی پیش شرط‌های این حقوق نیز نمودار می‌گردد. در هر حال، همه فعالیت‌های بشری و کلیه تلاش‌ها برای بروز و ظهور قابلیت‌ها و استعداد‌های وی که در لسان حقوقی به عنوان «حق‌ها» یاد می‌شوند، در صورتی مهیای عینی شدن می‌گردند که فضای مناسب متشکل از عناصر لازم برای حیات و بقای بشر وجود داشته باشد. به واقع، بشر یا «موجود» انسانی از حیث وجودی نیازمند عناصر زیستی و محیطی است که در قالب محیط زیست سالم و مطلوب، صورت بندی می‌یابد.

«حق به محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه حقوق بشر باز کرده، هر چند هنوز به شناسائی کامل دست نیافته است. توجه ویژه به این حق موجب شناخت ظرفیت‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی شده است. حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از حق حیات، حق به زندگی با استاندارد، حق به بهداشت، حق به هوای سالم، حق به علائق فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً در درون نسل اول حقوق بشر توسعه یافته است. دعاوی مرتبط با این بخش از حقوق بشر همانند حقوق مدنی و سیاسی علیه دولتهای ملی در محاکم ملی، و مراجع فراملی همانند دیوان اروپایی حقوق بشر و نهادهای نظارتی سازمان ملل کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) و کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض طرح و پیگیری شده است (وایت راب، ۱۳۹۵).

امروزه بهره‌مندی از محیط زیست سالم و حفاظت از آن به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های بشر محسوب می‌گردد. از دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری، محیط زیست فضایی است که در آن انسان‌ها و سایر موجودات زندگی می‌کنند و کیفیت زندگی و سلامتی‌شان از جمله برای نسل‌های آینده به آن فضا وابسته است. مدیریت محیط زیست و حفاظت از عرصه‌های طبیعی، مستلزم بکارگیری علوم و فنون متعددی است، از جمله حقوق محیط زیست [Cochran et al., ۲۰۱۶]. حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی تحت تاثیر آن‌ها قرار گرفته و به همین علت درک مسائل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان‌کننده همه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان است، این نتیجه حاصل می‌شود که حقوق محیط زیست علاوه بر زیر پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل، آن قسمت از حقوق که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمام قسمت‌های حقوقی وارد کند نیز در برمی‌گیرد [Mirkamali ۲۰۱۷, Hajivand &]. بی‌تردید محیط زیست، بستر حیات فردی و اجتماعی انسان است. حق داشتن محیط زیستی سالم که در آن امکان موجودیت یافتن انسان و سپس زیست پایدار وی فراهم گردد، از برخی جهات مقدم بر حق حیات است و از جهاتی دیگر، لازمه استیغای این حق و حتی بستر ادامه و استمرار مناسب آن [Dabiri et al., ۲۰۱۶].

### منابع و مأخذ

۱. انتظاری نجف آبادی. علیرضا، ۱۳۹۴، مسیولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی، ناشر: مخاطب، چاپ اول
۲. بهرامی احمد، و اعظم علی خانی (۱۳۹۲). «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسیولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت های زیست محیطی»، دانش حقوق عمومی، س ۲.
۳. بیگی. داداشی چکان، جمال و محمد مهدی، ۱۳۹۶، پیشگیری وضعی از جرایم زیست محیطی در ایران و اسناد بین‌المللی، ۱۳۹۶، انتشارات خرسندی



۴. پورهاشمی و ارغند، سید عباس و بهاره، ۱۳۹۲، حقوق بین الملل محیط زیست، تهران دادگستر، چاپ اول
۵. رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۰)، «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵.
۶. مشهدی، علی، ۱۳۹۲، حق بر محیط زیست سالم (تلگوی ایرانی -فرانسوی)، نشر میزان، چاپ اول
۷. نورانی، اسماعیل، ۱۳۹۲، سیاست جنایی ایراندر قبال جرایم زیست محیطی در پرتو کنوانسیونهای بین المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل
۸. وایت راب، ۱۳۹۵، جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم شناسی جهان بوم، ترجمه: حمیدرضا دانش تازی، انتشارات میزان.
۹. Abedi, Z., Riahi M., Salehi, S. ۲۰۱۵. Economic Analysis of Environmental Crimes in its Implementation and Problems, J.Env. Sci. Tech., Vol ۱۶, No.۴, autumn ۲۰۱۵. (Persian).  
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/۶۹۲۱۳۹۲۶۳۱۳>
۱۰. Cochran, J.C., Lynch, M.J., Toman, E.L. ۲۰۱۶. Court Sentencing Patterns for Environmental Crimes: Is There a "Green" Gap in Punishment?, Journal of Quantitative Criminology volume ۳۴, pages ۳۷-۶۶.  
<https://link.springer.com/article/۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۹۴۰-۰۱۶-۹۳۲۲-۹>.
۱۱. Dabiri, F., Poorhashemi, S.A., Khalatbari, Y., Zarei, S. ۲۰۱۶. Formation and Development of "Future Generation Rights" Concept in International Environmental Law, J.Env. Sci. Tech., Vol ۱۸, No.۳, autumn ۲۰۱۶. (Persian).  
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/۶۹۲۱۳۹۵۰۳۱۳>
۱۲. Danesh Nari, H., Moradfar, A. ۲۰۱۶. Criminology of the Boom World: A New Approach to International Criminology Studies. International Policy Study Journal ۲۰۱۶; ۲۱(۱): ۵۱-۷۴. (Persian).  
<https://onlinelibrary.wiley.com/toc/۱۵۴۱۰۰۷۲/۲۰۱۶/۴۴/۱>
۱۳. Faure, G., Visser, M., ۲۰۰۳, Law and Economics of Environmental Crime: a Survey .
۱۴. Hajivand, A., Mirkamali, A., Safari, F., Sarvai Sarmidani, O. ۲۰۱۸. Government criminal responsibility for environmental crimes in Iran: Necessities and challenges, Environmental Sciences Vol. ۱۶, No. ۲, ۶۵-۸۲. (Persian).  
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/۶۹۲۱۳۹۷۰۲۰۵>
۱۵. Heydarzadeh, E., Mozafarizadeh, S. ۲۰۱۴. Prevention of environmental offenses, Journal of Biological Ethics, Vol ۳, No ۷, ۱۶۳-۱۹۲ pp.  
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/۴۰۱۴۷۱۳۹۲۰۷۰۵>
۱۶. Mirkamali, A., Hajivand, A. ۲۰۱۷. Analyzing the Prevention of Environmental Crimes in the light of the United Nations Guidelines based on the Ethical Principle of Prevention of Harm, Bioethics Journal, Winter ۲۰۱۷; ۷(۲۶): ۶۱-۷۵. (Persian).
۱۷. Pain, N., ۲۰۰۳, Criminal law and environmental protection- Overview of issues and themes. in: Environmental Crime: Proceeding of a

Conference held ۱-۳ Sep. ۲۰۰۳ Hobart Neil Gunningham, Jennifer Norberry, and Sandra McKillop (eds.), available at: <<http://www.aic.gov.au/publications/proceedings/۲۶/pain.pdf>>

۱۸. Rees, H., ۲۰۱۰, Can criminal law protect the environment? In: South, Nigel and Beirne, Piers (edns.), Green Criminology. London: Ashgate Publication: P. ۴۰۹-۴۲۷. <http://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۱۴۰.۴۳۸۵.۰۱۷۵۳۷۳۷۶.۶>
۱۹. SEHN, ۲۰۰۸. Science and Environmental Health Network, The International Human Rights Clinic at Harvard Law School, models for Protecting the environment for future generations, October ۲۰۰۸, pP ۱۲. ۲۵,۳۰, see information in: <http://www.sehn.org> <http://www.law.harvard.edu/programs/hrp>
۲۰. Zhang, B., Cong, C., Junzhan, G., Ting, L. ۲۰۱۶. A New Environmental Protection Law, Many Old Problems? Challenges to Environmental Governance in China. Journal of Environmental Law, Volume ۲۸, Issue ۲, July ۲۰۱۶, Pages ۳۲۵-۳۳۵, <https://doi.org/۱۰.۱۰۹۳/jel/eqw.۱۴>